

<span><b>شیرازه</b></span>
<div><div><div><div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div><div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div><div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div><div><div><span></span></div></div></div></div></div>

## در باب راهبرد جهان

**شرق**؛ هنری کیسینجر در کتاب «رهبری» که با زیر عنوان مطالعاتی درباب راهبرد جهان با ترجمه سامان صفرزائی توسط نشر پیدایش منتشر شده، از منظری تحلیلی و مبتنی بر تجربه، به بررسی مفهوم رهبری پرداخته است. او تحلیلش را براساس زندگی و عملکرد شش چهره‌ای شکل داده که به اعتقاد او همه‌شان با درک صریحی از ضرورت یک رهبریت سیاسی جسورانه و الهام‌بخش، جمع‌بندی خودشان را از اینکه چه چیزی جهان را به بیراهه کشانده داشتند، کیسینجر در این کتاب با تاکید بر این موضوع که ترکیب شخصیت و شرایط است که تاریخ را می‌سازد، به معرفی شش رهبر پرداخته است: کنراد آدناور، شارل دوگل، ریچارد نیکسون، انور سادات، لی کوآن یو و مارگارت تاچر. او می‌گوید این شش رهبر همگی براساس شرایط دراماتیک دوره تاریخی‌شان شکل گرفتند و سپس همگی معماران تحولات جامعه‌شان پس از جنگ دوم جهانی و نظم بین‌المللی شدند. او نوشته که این شانش را داشته که با هر شش نفر در اوج نفوذشان روبه‌رو شود و از نزدیک نیز با ریچارد نیکسون کار کرده است: «آنها با ارت‌بردن جهانی که قطعیت‌هایش بر اثر جنگ از بین رفته بود، اهداف ملی را از نو تعریف کردند، چشم‌اندازهای جدیدی گشودند و ساختار جدیدی را به جهانی در حال گذار ارائه کردند». این ششش چهره، در مسیر خود از کوره آتشین جنگ‌های سی‌ساله دوم یعنی مجموعه درگیری‌های ویرانگر که از آغاز جنگ جهانی اول در اگوست ۱۹۱۴ تا پایان جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۴۵ ادامه داشت، گذر کردند. کیسینجر در بررسی‌اش، نشان داده که چگونه این ششش رهبر از وضعیت جهان در آن روزگار متأثر شدند: حرفه سیاسی کنراد آدناور که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۳ شهردار کلن بود، شامل درگیری با فرانسه حد فاصل بین دو جنگ جهانی بر سر راینلند و همچنین ظهور هیتلر بود. در طول جنگ جهانی دوم دو بار توسط نازی‌ها به زندان انداخته شد. با آغاز سال ۱۹۴۹ آدناور با کنارگذاشتن چند دهه تلاش آلمان برای تسلط بر اروپا، جا خوش کردن در اتحاد آتلانتیک و بازسازی این کشور بر یک بنیان اخلاقی که ارزش‌های مسیحیت و اعتقادات دموکراتیک را بازتاب می‌داد، آلمان را از حوضیض تاریخ خود عبور داد. شارل دوگل در طول جنگ جهانی اول دو سال و نیم به‌عنوان اسیر جنگی که ویلهلمین آلمان زندانی بود. در جنگ جهانی دوم ابتدا فرماندهی یک هنگ تانک را بر عهده داشت. بعد از آن و پس از فروپاشی فرانسه، دو بار ساختار سیاسی این کشور را بازسازی کرد؛ بار اول در سال ۱۹۴۴ برای احیای جوهره فرانسه و بار دوم در سال ۱۹۵۸ احیای روح آن و جلوگیری از جنگ داخلی. دوگل گذار تاریخی فرانسه از یک امپراتوری شکست‌خورده، تقسیم‌شده و بیش از حد گسترده به یک دولت ملی باثبات و مرفه مبتنی بر یک قانون اساسی صحیح را به انجام رساند. بر چنین بنیانی نقش‌آفرینی مهم و پایدار در روابط بین‌الملل را به فرانسه بازگرداند. دیگر رهبر مورد بررسی کتاب یعنی ریچارد نیکسون از تجربه خود در جنگ جهانی دوم این درس را گرفت که کشورش باید نقشی تقویت‌شده در نظم جهانی نوظهور ایفا کند. به رغم اینکه تریشن جمهوری ایالات متحده بود که از سمت خود استعفا داد، بین سال‌های ۱۹۶۹ تا در اوج جنگ سرد ۱۹۷۴ تنش ابرقدرت‌ها را تعدیل و ایالات متحده را از جنگ ویتنام خارج کرد. در این فرایند، با گشودن روابط با چین، آغاز یک روند صلح که خاورمیانه را درگروگن می‌کرد و تاکید بر مفهوم نظم جهانی مبتنی بر موازنه، سیاست خارجی آمریکا را در یک جایگاه سازنده جهانی قرار داد. دو رهبر دیگر مورد توجه این کتاب، جیمز چانگ دوم را به‌عنوان سوزه‌های استعمار تجریم کردند. انور سادات در قامت افسر ارتش مصر، در سال ۱۹۴۲ به دلیل تلاش برای همدستی با اروین رومل، فیلد مارشال آلمانی، برای اخراج انگلیسی‌ها از مصر دو سال زندانی شد و سپس پس از ترور امین عثمان، وزیر دارایی سابق و طرفدار انگلیس، به مدت سه سال -بیشترین انفرادی- در حبس بود. سادات که مدت‌ها با اعتقادات انقلابی و باور غربی به پیش رفته بود، در سال ۱۹۷۰ با مرگ ناگهانی جمال عبدالناصر به ریاست‌جمهوری مصر رسید؛ دشوری که پس از شکست از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ فاعلگیر شده بود و روحیه خود را باخته بود. سادات بعد از آن تلاش کرد از طریق ترکیبی زیرکانه از راهبرد نظامی و دیپلماسی، سرزمین‌های از‌دست‌رفته و اعتماد‌به‌نفس مصر را به آن بازگرداند و در عین حال صلح با اسرائیل را که مصر سال‌ها از آن گریزان بود، با فلسفه متعالی برقرار کند. لی کو آن یو در سال ۱۹۴۲ از اعدام توسط ارتش اشغالگر ژاپن، عیلی‌متری جان سالم به در برد. لی به شهری بندری، فقیر و چندقومیتی در لبه ایقائوس آرام که توسط همسایگان متخاصم احاطه شده بود، تکامل بخشید. سنگاپور، تحت نظر او به‌مثابه یک دولت‌شهر امن، با مدیریت خوب و مرفه که با هویت ملی مشترک میان فرهنگ‌های متنوع وحدت ایجاد می‌کرد، ظهور کرد. مارگارت تاچر در طول نبرد بریتانیا همراه با خانواده‌اش دور رادیو جمع می‌شد و به سخنرانی‌های جنگ نخست‌وزیر وینستون چرچیل گوش می‌داد. در سال ۱۹۶۹ تاچر یک قدرت سابقا امپریالیستی در بریتانیا را به ارت برد که در پس از‌دست‌دادن حوزه جهانی و کاهش امنیت بین‌المللی، هوای ملال‌انگیز وادان در آن رخنه کرده بود. او کشورش را از طریق اصلاحات اقتصادی و نوعی سیاست خارجی که جسات را با احتیاط متوازن می‌کرد، احیا کرد. کتاب «رهبری» به رهبرانی پرداخته که در رقابت پایان‌ناپذیر میان امر اراده و امر اجتناب‌ناپذیر دریاقتند آنچه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید توسط عواملی انسانی اجتناب‌ناپذیر شده است.



رهبری

هنری کیسینجر
ترجمه سامان صفرزائی
نشر پیدایش

<b>آگهی دعوت از شرکا شرکت زمان لجستیک با مسئولیت محدود</b> <p><b>به شماره ثبت ۴۲۲۵۲۵ شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۲۸۴۸</b> <b>جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده</b></p> <p>بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده ساعت ۰۹:۰۰ به تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۵ به آدرس تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان سرفراز، نرسیده به خیابان مطهری، نبش کوجه نیکم، برج موج، طبقه ششم، واحد ۲۸، کدپستی ۱۵۸۷۶۵۳۱۵۶ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.</p> <p>دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده:</p> ۱- نقل و انتقال سهم الشرکه. <p><b>هیات مدیره</b></p>
--

<b>برگه کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو لیفان X۵۰ رنگ سفید روغنی به نام آقای مصطفی عباسی زاده فخری</b> <p><b>باشماره موتور: ۷۶۶-۱۶۱۲۹۰۲B۱۴F۷۹Q۲</b> <p><b>و شماره شاسی: ۹۰۸۵۳-HB۱۰۲۲H۱NAKSG۴۵</b> <p><b>با شماره پلاک: ۱۰ ایران ۷۹۷ س ۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.</b></p></p></p>
--

# آیا نئولیبرالیسم، «دست چپ» دارد؟

**نقدی بر نوشته «اقتصاد جهل در ایران» از یوسف اباذری**



**کینزی‌گرایی در جنوب جهانی:نوستالژی یا امکان؟**

در نهایت، خوش‌بینی متن به امکان بازگشت به سیاست‌های کینزی، بدون پاسخ‌دادن به شرایط مادی امروز، بیشتر به نوستالژیی سیاستی شباهت دارد. کینزی‌گری زمانی ممکن بود که نرخ سود بالا نبود، دولت‌های ملی قدرت مانور داشتند و سرمایه هنوز این‌چنین سیال و مالی شده نبود. پرسش این است که چگونه می‌توان در اقتصادهای پیرامونی بدهکار، در عصر نئولیبرالیسم جهانی، سیاست‌های کینزی را احیا کرد؟ متن اباذری نه‌تنها پاسخی در این زمینه نمی‌دهد، بلکه با سکوتش، این توهم را بازتولید می‌کند که «اگر آدم‌های بهتری بر سر کار بیایند»، سیاست اقتصادی هم تغییر می‌کند. در واقع در توضیح اباذری

او، نگاه انگار امکان تداوم سیاست‌های کینزی وجود داشته بوده و همین باعث می‌شود که انباشت سرمایه مختل شود. پس، دست چپ، نه نیروی مقاومت، بلکه بخش مکمل ماشین دولت سرمایه‌دارانه است.

**تناقض سیاسی: از نقد بازار آزاد تا دعوت به رای**

اینجا دیگر نمی‌توان صرفا در سطح نظری ماند. واقعیت این است که یوسف اباذری، پس از سال‌ها نقد رادیکال بازار آزاد، عملا در لحظه انتخاب سیاسی، و به یکی از نئولیبرال‌ترین دولت‌های تاریخ ایران چراغ سبز نشان داد. نه به خاطر تغییر ساختاری، بلکه به امید نشانه‌هایی از «دست چپ»: احمد میدری، محمدرضا ظفرقندی و چند جمله انتخاباتی پزشکیان. اما تشخیص اینکه معماران اصلی این دولت همان تیم دولت روحانی بوده و هستند، نه دشوار بود و نه پنهان. ستاد انتخاباتی، برنامه‌ها، زبان اقتصادی و حتی شبکه مشاوران، همه این تداوم را فریاد می‌زدند. در این معنا، یادداشت «اقتصاد جهل در ایران» بیش از آنکه یک نقد بیرونی باشد، شبیه‌نامه سرکشاده یک چپ‌ناامید از امید خودش به دست چپ نئولیبرالیسم است. و باید از اباذری پرسید، مگر نئولیبرالیسم هم دست چپ دارد؟ و این‌رو وقتی نرخ سود سقوط می‌کند، اولین قربانی، دقیقا همان «دست چپ» است؛ اما نه به خاطر خیانت سیاست‌مداران، بلکه به خاطر اجبار ساختاری سرمایه. تمایز دست چپ/راست دولت، وقتی از سطح تحلیل اجتماعی به سطح سیاست عملی می‌آید، این توهم را می‌سازد که اگر «آدم‌های خوب» در آموزش و بهداشت باشند، اگر «کینزی‌ها» قدرت بگیرند، اگر دست چپ تقویت شود، می‌توان نئولیبرالیسم را مهار کرد.

**نقدی که نیمه راه می‌ایستد**

باری متن «اقتصاد جهل در ایران» متنی مهم، شجاعانه و افشاگر است، اما درست در لحظه‌ای که باید از نقد تکنوکرات‌ها عبور کند و به نقد ساختار سرمایه‌داری جهانی و جایگاه ایران در آن برسد، ترمز می‌زند. این توقف، پیامد سیاسی دارد: امیدبستن جدا شود، به ابزاری ایدئولوژیک بدل می‌شود؛ گویی مشکل اقتصاد ایران نه سرمایه‌داری، بلکه «سرمایه‌داران بد» است؛ نه منطق انباشت، بلکه «رائت‌خواران». در این روایت، راه‌حل تلویحی ساده است: الیگارش‌ها را حذف کن، اقتصاد عقلانی می‌شود. اما این‌طوری پرسش بنیادین حذف می‌شود: اینکه الیگارش‌ها چرا و چگونه در ایران متولد شدند؟ چرا و چطور بازتولید می‌شوند؟

پاسخ بدون ارجاع به تقسیم‌کار جهانی، مالی‌سازی، خصوصی‌سازی تحمیلی و نقش نهاد‌های بین‌المللی، اساسا ناقص است. الیگارش‌ها نه انحراف، بلکه ضرورت ساختاری کارگزاری محلی منطق جهانی سرمایه‌اند.

## تحلیلی درباره خصوصی‌سازی آموزش

آموزش همگانی می‌پردازد که عبارت‌اند از: فرایند‌ها و فراز و فرودهای خصوصی‌سازی آموزش در تاریخ معاصر ایران و عوامل مؤثر بر تحولات و کنشگران اصلی آن، گونه‌شناسی خصوصی‌سازی آموزش و پیامدهای اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش همگانی در ایران. نویسنده در این پژوهش از هر دو روش کمی و کیفی بهره برده و از سه شیوه در گردآوری داده‌ها استفاده کرده است: تحلیل اسنادی متون سیاستی، مصاحبه با کنشگران و مطلعان اصلی و تحلیل ثانویه داده‌های رسمی. در بخشی از توضیحات کتاب آمده: «خصوصی‌سازی آموزش، یا به تعبیر دقیق‌تر، عقب‌نشینی دولت از مالکیت، عرضه و اداره امر آموزش و شبه‌بازاری ساختن آن، وضعیتی است که راه خود را به شکلی خزنده و در روندی تاریخی در ساختار سیاست آموزش باز کرده است... نهاد آموزش که نقش مؤثری در تحقق عدالت جامعه دارد، نه‌تنها باعث غنای فرهنگی می‌گردد، بلکه جامعه آینده را نیز می‌سازد. وقتی آموزش طفیلی‌انگاشته‌شود و مسئولیت آن بر دوش خود جامعه باشد، نمی‌توان انتظار داشت ضامن دو اصل قوام‌بخش جامعه، برابری و همبستگی اجتماعی، باشد. ایران ما امروز نیازمند آن است که آموزش را دوباره از باوروقی به متن سیاست دولت بازگرداند.»



عطف

### اسارت‌روح

شرق: «طبقه جدید» کتابی است نوشته میلوان جیلاس؛ اثری در نقد جهان کمونیسم از سوی کمونیستی که در نردبان حزبی از بالاترین پله به پایین سقوط کرد. این وجه ممیزه مؤلف است که برخلاف دیگر کمونیست‌های سابق که از دایره ایدئولوژیک بلوک شرق خارج شدند، سال‌ها در عالی‌ترین مناصب نقش‌آفرینی کرده بود.

نویسنده کتاب، میلوان جیلاس، سیاست‌مدار و نویسنده اهل یوگسلاوی بود که به یکی از مشهورترین دگراندیشان اروپای شرقی بدل شد. او پس از دریافت مدرک حقوق از دانشکاه بلگراد در سال ۱۹۳۳ به دلیل فعالیت‌های سیاسی سه سال به زندان افتاد. سال ۱۹۳۷ از اعضای فعال گروه تیتو بود و در کار تجدید سازمان حزب کمونیست یوگسلاوی شرکت داشت و در ۱۹۳۸ به عضویت کمیته مرکزی و حزب درآمد. سال ۱۹۴۱ و با آغاز جنبش بازتربانی در یوگسلاوی، او از اعضای فعال آن بود و در ۱۹۴۳ به عضویت هیئت‌ریسه شورای آزادی خلق و هیئت فرماندهی ارتش آزادی‌بخش درآمد. سال ۱۹۴۵ نماینده مجلس مؤسسان و متعاقبا نماینده مجلس فدرال یوگسلاوی شد و تا سال ۱۹۵۴ در این سمت باقی ماند.

درون‌مایه اصلی کتاب این رای است که نتیجه حکمرانی احزاب کمونیست ظهور طبقه بوروکراتیک جدیدی بود از مالسکان و استثمارگران که کل نظام کمونیستی در جهت حفظ منافعش سازمان می‌یافت. آن‌طور که جیلاس شرح می‌دهد، برخلاف ایده مالکیت جمعی، آنچه چارچوب‌های اجرایی این نظام را تعیین می‌کرد بهره‌مندی گروهی خاص از امتیاز مالکیت بود. در نتیجه، خود طبقه جدید به مانهی تبدیل شد بر سر راه تحقق آرمان‌هایی که انقلاب وعده داده بود؛ زیرا این طبقه، برعکس طبقات پیشین در تاریخ، پس از شکل‌گیری به حاکمیت نرسید، بلکه پیدایشش دقیقا حاصل کسب قدرت بود و لاجرم با استفاده از امتیازات و انحصارات اقتصادی توانست الیگارشی طبقاتی خود را تحکیم کند.

«طبقه جدید» تحلیلی انتقادی و درون‌زا از ساختار قدرت در نظام‌های کمونیستی است. جیلاس که خود از رهبران ارشد حزب کمونیست یوگسلاوی بود، بسا تکیه بر تجربه مستقیم، نشان می‌دهد چگونه نظامی که با وعده برابری و حذف طبقات شکل گرفت، به‌تدریج زمینه پیدایش نوعی طبقه مسلط جدید را فراهم کرد. از نگاه او، مسئله نه انحراف‌های مقطعی، بلکه منطق درونی خود نظام کمونیستی است، مفهوم محوری کتاب «طبقه جدید» به گروهی اشاره دارد که شامل مقامات حزبی، بوروکرات‌ها و مدیران دولتی می‌شود. این طبقه مالک

رسمی ابزار تولید نیست، اما از طریق کنترل قدرت سیاسی، تصمیم‌گیری اقتصادی و انحصار ایدئولوژی، به امتیاز، رفاه و نفوذ دست می‌یابد. جیلاس توضیح می‌دهد که این شکل از سلطه، به دلیل پوشیده‌شدن در زبان عدالت و برابری، کمتر دیده می‌شود و در نتیجه، مقاومتر و پایدارتر از سلطه‌های کلاسیک عمل می‌کند. «طبقه جدید» کتابی صریح و تاریخ‌ساز است که تصویر آرمانی از کمونیسم را به‌طور بنیادین به چالش می‌کشد. اهمیت آن تنها در نقد یک نظام سیاسی خاص نیست، بلکه در نشان‌دادن این واقعیت است که هر ایدئولوژی، اگر از نظارت، پاسخ‌گویی و محدودیت قدرت خالی شود، می‌تواند به

تولید نابرابری تازه‌ای بینجامد. به همین دلیل، این اثر همچنان متنی کلیدی برای فهم رابطه قدرت، ایدئولوژی و ساختارهای پنهان سلطه باقی مانده است. عناوین بخش‌های کتاب عبارت‌اند از: ریشه‌های تاریخی کمونیسم، ویژگی‌های انقلاب کمونیستی، طبقه جدید، دولت حزبی، دکماتیسم در اقتصاد، اسارت روح، هدف و وسیله، ماهیت کمونیسم، کمونیسم کنونی و دنیای کنونی.



**طبقه جدید**

**میلوان جیلاس**

**ترجمه عنایت‌الله رضا**

**نشر نو**